

بله. به نظر من ساخته شدن این سریال‌ها نقطه مثبتی در روند سریال‌سازی است. نشانه و نمودش را هم می‌توانم استقبال مردم از این سریال بدانم. ان شاءالله که دیگران یا همین تیم بتوانند سریال‌هایی با انتقادهای بیشتر نسبت به مفسدین اقتصادی بسازند و مردم را نسبت به این مسائل آگاه کنند. چون خود این سریال‌ها نوعی آگاهی هم به همراه خود می‌آورند و مردم را آگاه می‌کنند که هر جا از آن‌ها خواست سرمایه‌گذاری کنند و قول سود چند برابری دادند، مردم گول نخورند و بتوانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند. چون، همان‌طور که در سریال گفته می‌شود، با پس‌اندازی که سال‌ها برایش زحمت کشیده و جمع کرده‌اند می‌خواهند سرپناهی برای زن و بچه‌شان درست کنند و آن وقت آدمی می‌آید و این سرمایه را از دست‌شان می‌گیرد بدون این‌که این‌ها بدانند دارند به چه راهی می‌روند. آخر هم می‌بینند که بازنده هستند. این سریال می‌تواند یک شناخت و آگاهی برای مردم به همراه بیاورد که خیلی باارزش است و امیدوارم سریال‌های دیگر هم در زمینه مقابله با مفسدان اقتصادی ساخته شود.

همان‌طور که فرمودید، در سینما و تلویزیون جهان آثار زیادی در مورد خبرنگاران ساخته شده‌اند. اما به نظر می‌رسد در سینما و تلویزیون ما کمتر به این قشر پرداخته شده. علت این کم‌کاری را در چه می‌دانید؟

چون اصولاً ما به نقد، و به این‌که عیب‌های همدیگر را بگوئیم، عادت نکرده‌ایم. هر کاری که ساخته می‌شد به یک قشر برمی‌خورد. مثلاً زمانی در مجموعه «آگه بابام زنده بود» (همايون اسعدیان) یک نقش منفی بازی کردم و لهجه کردی داشت. تقریباً پانزده جلسه که از ضبط کار گذشت، به من زنگ زدند که لهجه را حذف کنیم. گفتیم: «مگر می‌شود؟ ما پانزده روز کار کردیم و چندین سکانس گرفته شده. چطور لهجه را یک‌دفعه حذف کنیم؟ کار کم‌دی است ولی مسخره که نیست!» به‌رحال نقد کردن در کشورمان مشکل است و مشکلاتی را هم ایجاد می‌کند. مردم را باید عادت داد. وقتی ما از خودمان عیب‌جویی کرده و کار همدیگر را نقد کنیم، مردم هم به این نقد کردن عادت می‌کنند و به کسی بر نمی‌خورند. اگر من روزی بگویم که از همه چیز منزه هستم و اشتباهی نمی‌کنم، نباید بگویند این آدم چقدر آدم خوبی است بلکه باید بگویند این آدم نقد‌پذیر نیست و به همین دلیل ممکن است هزاران اشتباه دیگر را هم انجام دهد. همان‌طور که حضرت علی (ع) فرمودند، همین عجب و تکبر دری است بر گناه. این را نباید فراموش کنیم.

در این گفت‌وگو توضیحاتی در این مورد دادید اما ممنون می‌شویم اگر با جزئیات بیشتر توضیح دهید که، با توجه به تعداد نه‌چندان زیاد خبرنگاران در فیلم‌ها و سریال‌ها،

به‌عنوان یک بازیگر با تجربه چالش برانگیز بود؟

به‌عنوان بازیگر، وقتی با نقش جدیدی سروکار دارید که تا حالا کار نشده و در فیلم‌ها و سریال‌ها مابه‌ازای بیرونی چندانی ندارد، نمی‌توانید کارهای قبلی را ببینید و بفهمید با شخصیت چه کارهایی کرده‌اند. تنها دستاویزی که در این شرایط برای یک بازیگر می‌ماند این است که نمونه‌های عینی شخصیت را در جامعه دنبال کند. من سعی کردم، فارغ از این‌که واقعاً خبرنگار این شکلی داریم یا نداریم، شخصیتی را بازی کنم که باید باشد. از نظر من بازیگر، یک خبرنگار باید این‌جوری باشد. متن هم دارد می‌گوید که این آدم یک خبرنگار است که ایستادگی می‌کند، از خودگذشتگی می‌کند، با فشارها مقابله می‌کند و با چیزی کنار نمی‌آید. این می‌تواند خصلت‌هایی باشد که به پیشینه او در جبهه و جنگ هم برمی‌گردد. اما سختی این کار برای بازیگر این است که باز یگر باید چیز جدیدی پیدا کند. اگر شما می‌خواهید چیزی را پیدا کنید که تا حالا کسی بازی‌اش نکرده و با آن مواجه نبوده، سعی می‌کنید شخصیت‌تان متعادل باشد. یعنی شخصیتی که با خانواده‌اش مهربان است و به‌شکل آهسته و پیوسته با دشمنان مقابله می‌کند. ولی چه چیزی شهاب را سر جایش نگه می‌دارد؟ بگذارید مثالی از خود سریال و کاری که در یکی از سکانس‌ها انجام دادم بزنم. در یکی از سکانس‌ها، شخصیت زن به شهاب زنگ می‌زند و می‌گوید به‌خاطر فشارهایی که به او وارد شده دیگری حاضر نیست با شهاب همکاری کند در حالی که قبلاً قول مدرک به شهاب داده بود. شهاب بعد از قطع کردن تلفن می‌رود جلوی عکس برادر شهیدش می‌ایستد، دستی به تصویر او می‌کشد و بعد پشت میز نشسته و به فکر فرو می‌رود. درست مثل این است که عهددواری‌ها با برادرش می‌بندد و برادر شهیدش تعهد دیگری، به جز تعهدات شخصی و اعتقادی خود شهاب، برای او ایجاد کرده و باری را روی دوش این آدم اضافه کرده‌است. فکری می‌کنم آن‌قولی که شهاب به برادرش داده، نقطه قوت شهاب برای جلو رفتن است. به‌رحال در آوردن این شخصیت به لحاظ بیانی، رفتاری و تیپیک کار ساده‌ای نبود. برای این سریال وزن اضافه کردم و همین الان هم در حال کاهش وزن هستم. سعی کردم نشان دهم که در سال‌هایی که از جنگ گذشته، پشت‌میزنشینی شخصیت و دنبال کردن اخبار مختلف از طریق گوشی، تبلت و کامپیوتر، اضافه وزنی برای شخصیت به همراه آورده. با این فکر جلو رفتم ولی الان برای خودم یک سختی بعد از کار به وجود آورده که همان کاهش دوباره وزن است.

آیا ساخته شدن سریال همچون «بی‌نشان» را می‌توان نشانه‌ای از رویکرد تازه‌ای در تلویزیون برای پرداختن به مسائلی چون فساد اقتصادی دانست؟

چه خصوصیتی در شخصیت شهاب ادهم وجود داشت که باعث شد بازی در سریال «بی‌نشان» را بپذیرید؟

شخصیت شهاب ادهم شخصیت مثبتی است که سال‌ها در جبهه زحمت کشیده، فرمانده بوده و ایثارگری کرده‌است. الان هم یکی از جانبازان دفاع مقدس است. بعد از اتمام جنگ، ایشان دوستانش را جمع کرده، خیریه‌ای در دست گرفته و خودش هم روزنامه‌نگار است و حالا، با تجربه‌ای که به دست آورده، سردبیر یک سایت معروف شده که خوانندگان بسیاری دارد. شهاب آدمی است که مردم دوستش دارند، معتمد، معتقد و بااخلاق است. مشخصات اولیه شخصیت این بود. زمانی که فیلمنامه را خواندم، دیدم که این ویژگی‌ها را همه مردم در اجتماع دوست دارند. خود قصه هم قصه خوبی بود و نویسندگان برایش زحمت کشیده بودند. فیلمنامه چند بار بازنویسی شده و کار شسته‌ورفته و خوبی بود. دیگر چه چیزی از این بهتر می‌خواستیم؟ کارگردان خوب بود، تهیه‌کننده خوب بود، متن خوب بود و شخصیت را هم دوست داشتیم. برای همین این کار را بپذیرفتم.

با بررسی کارنامه شما می‌توان به این نتیجه رسید که تمایلی به نقش‌های تکراری ندارید و حوزه‌های گسترده‌ای از نقش‌ها را تجربه کرده‌اید. آیا شخصیت شهاب در «بی‌نشان» از این جنبه هم برای شما جذاب بود و تازه بودن آن در پذیرش این نقش از سوی شما تأثیر داشت؟

از شما ممنونم که کارنامه هنری من را دنبال کردید. بله. من خیلی نقش‌های تکراری را دوست ندارم مگر این‌که مجبور باشم. این نقش هم، لاف‌لاقی برای من، تکراری نبود. تا حالا نقش یک خبرنگار را بازی نکرده بودم و فقط شنیده‌هایی از کسانی داشتم که خبرنگار بودند. برای این کار، در این مورد که سردبیر چه کاره است و حیطة مسئولیت‌هایش تا کجا است تحقیق کردم. با نیروهای یک روزنامه (که البته یک روزنامه ورزشی بود) هم صحبت کردم. فکر می‌کنم این شخصیت برای من و برای بیننده‌ها شخصیت تازه‌ای بود. تا حالا شخصیت خبرنگار کار نشده بود. البته آن‌ور آب و در کشورهای دیگر کارهای این مدلی دیده بودم که نقش اصلی‌شان یک خبرنگار بود که در زندگی‌اش چالش‌هایی داشت و کم‌کم کار به جاهای باریک می‌کشید. می‌شود گفت که این متن هم به‌نوعی راجع به زندگی همان نوع خبرنگارها است اما یک خبرنگار ایرانی که با مسائل و مشکلات و معضلات خبرنگاری در کشور خودش دارد دست‌وپنجه نرم می‌کند و در مقابل فساد می‌ایستد. بنابراین می‌تواند یک نقش نو و یک کار جدید، هم برای بازی و هم برای دیده شدن، باشد.

بازی در نقش یک خبرنگار در «بی‌نشان» تا چه حد برای شما